

## Political and Legal Obstacles to the Harmonization of National Criminal Law Systems

**Seyed Ebrahim ghodsi**

Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran

**Atefeh Sheikheslami\***

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran

### Abstract

The expansion of international protection of human rights norms and the birth of new forms of crime have led to profound changes in various areas of criminal law. Regulation and ratification of international documents with the aim of eliminating the legal vacuums and promoting harmonization in the national criminal law systems and in order to create and promote effective criminal responses to such crimes has replaced the classical Criminal law mechanisms. However, the actions of some states in absorbing and integrating the acts determined in international documents have not been in line with the purposes of these documents in the global confrontation with the violation of international norms. Using descriptive and analytical method, this study seeks to investigate the obstacles to this alignment in both political and legal fields. The findings show that the structural changes of the UN in promoting the decisive role of states, increasing convergence at the regional level consequently increasing the influence of policy-making in the international arena, the flexibility of national criminal law systems with the international documents and the maximum use of reservation right will be effective in increasing alignment in the agreed areas and reducing the complexities arising from these obstacles.


**Keywords:** Harmonization, Globalization, Barriers of Harmonization, International Documents, Globalization of Criminal Law.


---

\* Corresponding Author: atefe.sheikheslami@gmail.com



## موانع سیاسی - حقوقی هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی

سید ابراهیم قدسی  دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

عاطفه شیخ‌اسلامی  \* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

### چکیده

گسترش حمایت بین‌المللی از هنجارهای حقوق بشری، توکد اشکال نو بزهکاری و ضرورت‌های جهانی مقابله با آنها در پرتو اسناد بین‌المللی به تحولات عمیقی در حوزه‌های مختلف حقوق کیفری منجر شده‌اند. تنظیم و تصویب اسناد بین‌المللی با هدف رفع خلأ و ارتقاء هماهنگی در نظام‌های کیفری ملی و در راستای هماهنگ‌سازی پاسخ‌های کیفری در برابر جرایم مذکور جایگزین ساز کارهای حقوق کیفری سنتی شده است. با این حال، عملکرد برخی دولت‌ها در ادغام قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی هم‌سو با هدف و چهارچوب این اسناد نبوده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی درصدد واکاوی موانع این هم‌سویی در دو حوزه سیاسی و حقوقی در بستر جهانی شدن حقوق کیفری است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که موانع سیاسی در هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی، حول اصول مشترک بین‌المللی، با پیچیدگی بیشتری نسبت به ملاحظات حقوقی روبه‌رو هستند. تحولات ساختاری سازمان ملل متحد در ارتقاء نقش تعیین‌کنندگی کشورها و افزایش هم‌گرایی در سطح منطقه‌ای و در نتیجه افزایش تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری در عرصه بین‌المللی، انعطاف‌پذیری نظام‌های کیفری ملی در برابر اعمال مقرر در اسناد بین‌المللی و استفاده حداکثری از حق شرط مقرر در این اسناد در افزایش هم‌سویی در حوزه‌های مورد توافق و کاهش پیچیدگی‌های ناشی از این موانع مؤثر خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: هماهنگ‌سازی، جهانی شدن، موانع هماهنگ‌سازی، اسناد بین‌المللی، جهانی شدن حقوق کیفری.

## مقدمه

توسعه فرایند جهانی شدن و تحولات ناشی از آن در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ابعاد منفی خود از جمله تحوّل در روش‌های ارتکاب جرم و ظهور اشکال نو بزهکاری را نمایان کرده است. جهانی شدن بزهکاری از جمله قاچاق انسان، قاچاق مهاجران، قاچاق موادّ مخدّر، قاچاق اشیاء تاریخی و فرهنگی و ... و ارتباط این جرایم با سایر جرایم فراملی از جمله پولشویی و فساد، با پررنگ‌تر نمودن ضعف سازکارهای تقنینی و حمایتی داخلی در مقابله با این جرایم، پاسخ کیفری و جرم‌انگاری آنها در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی را وارد حوزه‌های متفاوتی کرده است.

جهانی شدن جرم همگام با توسعه فرایند جهانی شدن و به دلیل نقض نظم، امنیت، صلح و رفاه بین‌المللی حقوق کیفری و سازکارهای سنتی آن را به سمت جهانی شدن سوق داده است. روند جهانی شدن حقوق کیفری در دهه‌های اخیر و در پاسخ به ضرورت تحوّل پاسخ‌های کیفری در حوزه‌های مرتبط با نقض هنجارهای حقوق بشری و یا مدیریت جرایم فراملی، به ویژه در قالب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی، در پرتو یک سلسله اصول مشترک<sup>۱</sup> مورد توجه قرار گرفته است. مراد از هماهنگ‌سازی این است که «مقررات ملی (داخلی) دولت‌ها نسبت به یکدیگر متفاوت باقی می‌مانند، لیکن تلاش می‌شود که این مقررات آن‌گونه به هم نزدیک شوند که با هم سازگار شوند» (دل‌ماس مارتی، ۱۳۷۶: ۱۹۳). این سازگاری میان مقررات ملی در پرتو اصول هماهنگ بین‌المللی با هدف افزایش هزینه‌های ارتکاب این جرایم، ناامن نمودن کلیه کشورهای در ارتکاب آنها و پیشگیری از بی‌کیفرمانی بزهکاران بیش از پیش ضرورت و اهمیت یافته است. لزوم اتخاذ یک سیاست جنایی بین‌المللی<sup>۲</sup> مؤثر در پیشگیری و مبارزه علیه این جرایم دولت‌ها را ناگزیر به الحاق و تصویب اسناد بین‌المللی نموده است. این اسناد که رسالت عمده آنها هماهنگ‌سازی و نزدیک کردن هرچه بیشتر نظام‌های حقوقی ملی است می‌توانند در ارائه راهکارهای حقوقی مناسب در حل و فصل هماهنگ مسائل جدید دولت‌ها و پر

۱. بنگرید: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، تقریرات جرم‌شناسی، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم،

تقریرات درس جرم‌شناسی (جهانی شدن جرم). دسترس‌پذیر در [lawtest.ir](http://lawtest.ir)

۲. بنگرید: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵)، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره

کردن خلأهای احتمالی در حقوق داخلی و در نهایت نزدیک کردن نظام‌های حقوقی ملی تأثیرگذار باشند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۰). تحولات مفهوم جرم‌انگاری در حقوق کیفری ملی در بستر جهانی شدن جرم از مهم‌ترین نتایج تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی به ویژه اسناد الزام‌آور در سطح ملی و فراملی بوده است. در واقع، ادغام قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی در نظام‌های کیفری داخلی<sup>۱</sup> با هدف هماهنگ‌سازی و نزدیک کردن سیاست جنایی<sup>۲</sup> تقنینی ملی و رفع خلأهای داخلی در مقابله با جرایم فراملی منجر به تحولات نظام‌های کیفری ملی در حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری شده است.

اما با وجود اینکه حقوق کیفری بین‌المللی<sup>۳</sup> در توضیح و روشن نمودن مقررات و مفاد اسناد بین‌المللی مرتبط با جرم‌انگاری اعمال مقرر در این اسناد چاره‌ای جز تکیه بر اصول و استانداردهای نظام‌های حقوقی ندارد، همچنان با چالش‌هایی در این زمینه روبه‌رو است. زیرا به رغم درک ضرورت هماهنگ‌سازی و تلاش‌های بین‌المللی در نزدیک‌سازی اصول کلی حقوق کیفری در این زمینه، برخی دولت‌ها گاه خود را در سطوح بالاتر و عمیق‌تر نسبت به

۱. بنگرید: نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۴)، «حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم»، دیپاچه در: فلچر پی، جرج، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، برگردان سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ چهارم، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۲. با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش بر بررسی موانع تأثیرپذیری نظام‌های کیفری داخلی از اسناد بین‌المللی است، بیشتر مفهوم مضمیق سیاست جنایی یعنی سیاست کیفری مورد نظر قرار گرفته است. مفهوم مضمیق سیاست جنایی، یعنی سیاست کیفری عمدتاً شامل اعمال حقوق کیفری علیه جرم و مجرم می‌شود و بنابراین تدابیر ماهیتاً پیشگیرانه را از قلمرو خود خارج می‌کند. درحالی که سیاست جنایی راهبردی افتراقی است که در جزمیت حقوق کیفری محصور نیست و در قلمرو وسیع‌تری به نام سیاست عمومی یک دولت در حوزه‌هایی فراتر از جرم و واکنش کیفری، یعنی انحراف، پیشگیری، پاسخ‌های غیرکیفری و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... واقع می‌شود (نک. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۶)، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیپاچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، میزان، صص. ۱۱-۱۷؛ می‌ری، دل‌ماس مارتی (۱۳۹۵)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، میزان، صص. ۱۱-۱۶ و نیز نک. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۸)، مدخل سیاست جنایی، در: نیازپور، امیرحسین (به کوشش)، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، تهران، میزان).

۳. توسعه مسائل و موضوعات جدیدتر بین‌المللی تهدیدکننده نظم، امنیت، صلح و سلامت جهانی به ویژه در پرتو جهانی شدن جرم و تولد و توسعه جرایم فراملی و متقابلاً ضرورت فراملی شدن سیاست‌های مقابله با این دسته از جرایم در پرتو همکاری میان دولت‌ها، در درنوردیده شدن مرزهای کلاسیک حقوق جزای بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری و توسعه قلمرو موضوعی حقوق کیفری بین‌المللی «به عنوان شاخه‌ای از حقوق که تمام مسائل کیفری مطرح در سطح بین‌المللی را سامان می‌بخشد» تأثیر قابل توجهی داشته است. نک. فرجی، محمد (۱۳۹۸)، منطقه‌ای‌سازی عدالت کیفری، رساله دکتری، به راهنمایی بهزاد رضوی‌فرد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ص. ۴۸.

هم‌گرایی نظام کیفری‌شان با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی متمایل نشان نداده‌اند. ملاحظات سیاسی، موانع حقوقی، موانع فرهنگی، به ویژه حساسیت دولت‌ها در نقض استقلال فرهنگی، ملاحظات مذهبی و ایدئولوژیک (برای نمونه اصل چهارم قانون اساسی ایران در لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی و نیز جایگاه قاعده نفی سبیل<sup>۱</sup> در سیاست جنایی ایران) از مهم‌ترین موانع پیش‌روی دولت‌ها در این زمینه هستند. اما با توجه به اهمیت ملاحظات سیاسی و نقش تعیین‌کننده آن در نوع رویکرد نظام حقوقی داخلی به پاسخ‌های مقتضی در برابر مسائل بین‌المللی و تأثیر آن در انعطاف‌پذیری نظام‌های حقوقی و در نتیجه هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی، تمرکز این پژوهش بر دو حوزه موانع سیاسی و حقوقی بوده و پرداختن به سایر موانع خود موضوع پژوهش مستقل دیگری است. از این رو، با ملاحظه ضرورت ارزیابی عملکرد دولت‌ها در کیفیت همسویی با این اسناد، به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌های اصلی هستیم که چرا سرعت و کیفیت هم‌سویی با اسناد بین‌المللی در نظام‌های کیفری ملی متفاوت است؟ و اصولاً موانع سیاسی و حقوقی هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی در برابر اعمال مقرر در اسناد بین‌المللی چه هستند؟ تا از رهگذار یافتن پاسخ آنها به آسیب‌شناسی موانع مؤثر در روند هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی در برابر اعمال مقرر در اسناد بین‌المللی بپردازیم.

و اکاوی موضوع موانع هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی جایگاه بارزی در پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه جهانی شدن حقوق نداشته است. پژوهش‌های مرتبط در این حوزه نیز متمرکز بر پیچیدگی‌های جهانی شدن و نیز موانع جهانی شدن حقوق بشر<sup>۲</sup> بوده‌اند و ملاحظات سیاسی و حقوقی نظام‌های کیفری داخلی در هم‌سویی با اعمال مقرر در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. اهمیت و ضرورت این پژوهش از این حیث قابل توجه است.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای درصدد بررسی چالش‌ها و موانع زیربنایی پیش‌روی دولت‌ها در عملکرد مورد انتظار جامعه بین‌المللی و مجامع حقوق بشری در هم‌سویی با اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی است. رویکرد

۱. آیه ۱۴۱ سوره نساء «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

۲. بنگرید: ان روزنا، جیمز (۱۳۷۸)، پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، برگردان: صادقی، احمد، سیاست خارجی، شماره ۵۲؛ سیرغانی، محسن (۱۳۸۲)، بررسی موانع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی شدن حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی باقر میرعباسی، دانشگاه آزاد اسلامی (تهران مرکز).

هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی بر وزن جهانی‌سازی به ویژه آثار و مظاهر آن در حوزه سیاست‌گذاری و حقوق کیفری، تضعیف اصل حاکمیت، به ویژه در پرتو شرایط داخلی و منطقه‌ای حاکم، و تعارض میان اصول حقوقی اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی داخلی از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی در حوزه‌های مختلف جرم‌انگاری، کیفرگذاری و آیین دادرسی کیفری هستند. بررسی و واکاوی این چالش‌ها در دو بستر موانع سیاسی و حقوقی به ترتیب در دو بخش این پژوهش انجام شده است.

### ۱. موانع سیاسی هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی

هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی در برابر اعمال مقرر در اسناد بین‌المللی، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی دولت‌ها، سمت و سوی متفاوتی یافته است. رویکرد دولت‌ها به ماهیت و روند جهانی شدن حساسیت‌هایی را در خصوص سازکارهای این فرایند به ویژه اسناد بین‌المللی و خوانش سیاسی از اهداف آنها در بستر جهانی شدن حقوق کیفری به همراه داشته است. نابرابری در نقش تعیین‌کنندگی دولت‌ها در عرصه سیاست‌گذاری بین‌المللی، سلطه‌جویی کشورها و قدرت‌های نظام سرمایه‌داری و تأثیر آن در نظم و ثبات سیاسی، نقض استقلال سیاسی در فرایند سیاست‌گذاری حقوق داخلی و به چالش کشیده شدن اصل برابری حاکمیت دولت‌ها از مهم‌ترین این چالش‌ها هستند که رویکرد به موضوع هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی را بر وزن جهانی‌سازی قرار داده است. در بخش یکم این پژوهش به بررسی این موانع در دو قسمت رویکرد هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی بر وزن جهانی‌سازی و تضعیف اصل حاکمیت دولت‌ها پرداخته شده است.

#### ۱-۱. رویکرد هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی بر وزن جهانی‌سازی

در مقابل فرایند «جهانی شدن» به عنوان جریانی اجتناب‌ناپذیر، با آثاری چون کاهش محدودیت‌ها و تضادهای فرهنگی- اقتصادی و نیز نزدیک‌سازی هرچه بیشتر ملت‌ها در زمینه‌های مختلف، اصطلاح «جهانی‌سازی» به عنوان برداشتی منفی از مفهوم Globalization نیز طرح شده است. بر این اساس، جهانی‌سازی پروژه‌ای است که نظام سرمایه‌داری آن را به منظور سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر جهان و در راستای تأمین منافع همه‌جانبه خود طراحی کرده و بکار گرفته است. طبق این نگرش، ممکن است رویکرد متفاوتی به مقوله

هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی با تکیه بر مفهوم جهانی‌سازی معطوف شود که محور آن نابودی و یا تضعیف قدرت‌های محلی و ملی و در مقابل، تقویت قدرت اشکال جهانی اداره امور است.

بر این اساس، جهانی شدن پروسه‌ای است که نظام سرمایه‌داری و در صدر آن آمریکا آن را طراحی کرده و با ابزارهای قدرت به ویژه اعمال فشار از طریق سازمان‌های بین‌المللی پیش می‌برد، روندی که سیاست مبتنی بر غلبه سرمایه‌داری را دامن زده و با گسترش اصول و سازکارهای امپریالیستی در قالب سازمان‌ها و ابزارهای بین‌المللی به دنبال تقویت مواضع جهان سرمایه‌داری است. از این منظر، استیلاء و تفوق‌گرایی در بستر اقتصاد سیاسی را می‌توان به رهبری بین‌المللی یک قدرت سیاسی در عرصه سیاست‌گذاری و در راستای حفظ منافع و امنیت ملی آن تعبیر کرد. نحوه تغییر توازن قدرت پس از جنگ جهانی دوم، جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق در افزایش قدرت جهانی، نفوذ بین‌المللی آمریکا، تأثیر آن در جهت‌دهی به سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی و نیز تحولات نظام اقتصاد سیاسی تأثیر قابل توجهی داشته است. تسلط نظامی و سیاسی بی‌سابقه قدرت‌های شمال، قدرت شورای امنیت سازمان ملل متحد که حق و توی اعضای دائم آن اولویتهای این سازمان را تعیین می‌کند و افزایش دامنه و نفوذ قواعد و مقررات ایجادشده در سطح بین‌المللی از سوی سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد و تأثیرپذیری آنها از سیاست قدرت‌های بزرگ منجر به تقویت رویکرد جهانی شدن بر وزن جهانی‌سازی در برخی دولت‌ها شده است، به ویژه در زمینه سازماندهی قوانین و سیاست‌گذاری داخلی در بستر جهانی شدن جرم و حقوق کیفری که در برخی کشورها با الگوهای استثمارگرانه نظام سرمایه‌داری ارزیابی و سنجدیده می‌شود. نقش آمریکا در ارتقاء اقتصاد بازار در جهان، تعیین‌کنندگی آن و آثار متقابل جهانی شدن بر افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی این کشور،<sup>۱</sup> با تقویت رویکرد جهانی شدن آمریکایی‌شده، موضوعات پیش روی جهانی شدن در حوزه‌های مختلف را چالش‌برانگیزتر کرده است. در واقع، به رغم تأکید بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که طبق آن دولت‌ها موظفند در اقدامات و تصمیم‌گیری‌های خود در سطح داخلی نسبت به آثار فرامرزی و منفی آنها توجه کنند و مراقبت‌های لازم را در راستای عدم تأثیرگذاری منفی این سیاست‌ها بر بهره‌مندی سایر کشورها از حقوق اقتصادی، اجتماعی و

1. See: Kirshner, Jonathan (2008), "Globalization, American Power, and International Security", *Political Science Quarterly*, Vol. 123, No.3.

فرهنگی به عمل آورند (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۵: ۱۹۳)، اثر فراسرزمینی قوانین ملی این کشور در پرتو قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی آن در عرصه بین‌المللی و تعیین تحریم‌ها و ضمانت اجراء در نقض این قوانین در غلبه مفهوم سلطه‌جویی در این زمینه تأثیرگذار بوده است. چراکه در این صورت، «بدون نیاز به تسخیر سرزمین یک کشور یا سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی و اجتماعی آن می‌توان از طریق فقط صادر کردن سیستم قضایی، که تمامی سازمان اجتماعی کشور از آن متأثر می‌گردد، قالب و ساختار فرهنگ و اقتصاد کشور دیگری را تعیین نمود» (دلماش مارتی، ۱۳۷۸: ۱۳۲). بدین ترتیب، بسط و توسعه این نگرش نه تنها با تمسک به غلبه مواضع نظام سرمایه‌داری در حوزه‌های حاکمیتی، سیاسی و اقتصادی به حوزه فرهنگ و سیاستگذاری داخلی نیز تسری یافته است، بلکه حوزه جهانی شدن حقوق کیفری و سیاستگذاری بین‌المللی را نیز با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است.

از این منظر، جهانی شدن حقوق به عنوان پروسه‌ای با شعار هم‌گرایی و اتحاد در مدیریت جرم ولی با هدف اصلی کنترل عملکرد کشورهای ضعیف‌تر و نقض استقلال سیاسی در فرایند سیاستگذاری حقوق داخلی قلمداد می‌شود. به ویژه با الزامی شدن اجرای قوانین بین‌المللی در پرتو اسناد بین‌المللی الزام‌آور، ملاحظاتی چون سیاستگذاری‌های جهت‌دار و بهره‌برداری اقتصادی و سیاسی به نفع کشورهای قدرتمند رسالت و کارکرد این اسناد در صیانت از نظم، صلح و امنیت بین‌المللی و مدیریت فراملی جرایم جهانی را مورد تردید قرار داده‌اند. تأثیر اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ و عدم تساوی نقش همه کشورهای در تدوین و تنظیم قوانین، سیاست‌ها و سازکارهای مذکور در سازمان ملل در درک شکل‌گیری و تقویت این دیدگاه بااهمیت است.

از یک طرف، نسبت‌گرایی اخلاقی سازمان ملل و رویکرد گزینشی آن در مواجهه با مسائل حقوق بشر و اعمالی چون تروریسم و نسل‌کشی و نیز اتهامات در زمینه حمایت گاه‌به‌گاه این سازمان از این اعمال از زمان تأسیس، تحت تأثیر اعمال فشار قدرت‌های بزرگ،<sup>۱</sup> مورد انتقاد قرار گرفته است (Gold, 2005: 216-217). از طرف دیگر، سیاسی شدن تصمیم‌گیری‌ها و در نتیجه بی‌اثر شدن آنها در پرتو مناسبات سیاسی در شورای حقوق بشر این سازمان، با تقلیل اعتبار این شورا، منجر به تضعیف کل نظام حقوق بشر سازمان ملل

۱. بنگرید: شفیعی، نوذر و سلیمی، رؤیا (۱۳۹۸)، «تبیین عملکرد سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی در میانمار»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۱.



می‌شود (Short, 2008: 147-148). ایجاد شکاف میان اهداف و عملکرد این سازمان و تبلور عدم توانایی آن در تحقق وعده‌های خود برای جلوگیری از موارد نقض حقوق بشر<sup>۱</sup> در سست شدن باورها به اهداف و توانایی سازمان ملل در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی تأثیرگذار بوده است.

انتقادات بر چارچوب و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در فقدان نمایندگی بین‌المللی واقعی از سوی تمام کشورها و طرح اتهاماتی مبنی بر تمرکز شورا بر منافع استراتژیک و انگیزه‌های سیاسی اعضای دائم در این زمینه قابل توجه است (Rajan, 2006: 3). به ویژه انتقاد به دموکراتیک بودن سازمان ملل به دلیل قدرت تعیین‌کننده اعضای دائم شورای امنیت<sup>۲</sup> و تأثیر آن در تضعیف حفظ سیاست بی‌طرفی، لحاظ نمودن منافع تمام ملت‌ها و استقلال این سازمان در برابر مسائل بین‌المللی در شکل‌گیری و تقویت رویکرد هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفی بر وزن جهانی‌سازی مؤثر بوده است.

از این رو، اسناد بین‌المللی که مهم‌ترین ابزار سیاست‌گذاری و هنجارسازی در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند پیش از آنکه به عنوان سازکار هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های حقوقی در مدیریت نقض هنجارهای بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرند، به عنوان اهرمی که در خدمت اغراض و منافع نظام سرمایه‌داری قرار دارد قلمداد می‌شوند، به طوری که می‌توان یکی از مهم‌ترین موانع و ملاحظات سیاسی در تأثیرپذیری از این اسناد در نظام‌های حقوقی داخلی را برآورد اسناد مذکور به عنوان ابزار و اهرم نظام سرمایه‌داری و در نتیجه مقاومت در هم‌سویی با آنها در حقوق داخلی دانست.<sup>۳</sup>

۱. مثل عدم پاسخ مؤثر در فاجعه دارفور و یا فاجعه بالکان و رواندا در اواخر قرن بیستم. در این خصوص بنگرید به:

De Waal, Alex. (2007), "Darfur and the failure of the responsibility to protect", *International Affairs*, 83: 6; Arie, E.C. (2015), "A Bystander to Genocide: Revisiting UN Failure in the BALKANS and RWANDA", *European Scientific Journal*, edition vol.11, No.11.

2. Creery, Janet. (1994), "Read the fine print first: Some questions raised at the Science for Peace conference on UN reform", *Peace Magazine*, p. 20, Retrieved on 2007-12-07.

۳. از این جهت و به عنوان نمونه، واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مخالفت با تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین منابع مالی تروریسم که در تأمین نظر گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ضروری بود قابل توجه است؛ اظهاراتی از جمله اینکه «ما چه کار کنیم که کنوانسیون‌های پخت و پز استکبار جهانی در مجلس تصویب نشود» و نیز «این کنوانسیون‌ها و معاهدات یعنی برگشت به گذشته و دست برداشتن از ادعاهای انقلابی»، در مخالفت با تصویب این لایحه، مبنی‌خوانش مبتنی بر غرض‌ورزانه تنظیم شدن اسناد و

در این میان، موضع دوگانه برخی کشورها در برابر اسناد بین‌المللی نیز در تقویت این رویکرد قابل توجه است. رویکردی که طبق آن، برخی کشورها مثل آمریکا به عنوان استثنائی بر حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup> و به رغم نقش تعیین‌کنندگی و نفوذ بالا و یا قائل بودن نقش اصلی در تدوین استانداردهای جهانی حقوق بشر برای خود<sup>۲</sup> می‌توانند حتی به رغم مشارکت و اثرگذاری در تنظیم اسناد بین‌المللی دست به غریبال آنها در حقوق داخلی زند و اسناد بین‌المللی را که در خدمت اهداف خود هستند انتخاب کنند و سایر موارد را نادیده گیرند و یا حتی آنها را رد کنند و تصویب نکنند.<sup>۳</sup> پس‌زنی سیاست‌ها و اصول حقوقی مقرر در اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی با توجیهاتی از قبیل استحکام و انسجام کافی حقوق داخلی در برخورد با مسائل بین‌المللی، علاوه بر تضعیف نظم و امنیت بین‌المللی، منجر به بدبینی و افزایش نارضایتی کشورهای ضعیف‌تر در قبال سیاست‌های بین‌المللی مقرر در اسناد بین‌المللی خواهد شد. به عنوان نمونه، عدم تصویب کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی و به رغم امضاء آن در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۵ میلادی از سوی آمریکا، به ویژه با توجه به نقش فعال و مؤثری که این کشور در تهیه پیش‌نویس این کنوانسیون در مجمع عمومی سازمان ملل متحد داشته، در این زمینه قابل توجه است (Smolin, 2006: 83).

برهم خوردن تعادل قانون اساسی میان حکومت فدرال ایالات متحده آمریکا و بسیاری از

کنوانسیون‌های بین‌المللی با محوریت تأمین منافع قدرت‌های بزرگ و در راستای نقض استقلال در سیاستگذاری داخلی است. (بنگرید: روزنامه رسمی، مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (دوره دهم)، جلسه ۲۴۸ (مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۵)، یکشنبه، ۲۲ مهر ماه ۱۳۹۷، سال هفتاد و چهارم، شماره ۲۱۴۳۴، ص. ۸).

۱. بنگرید: جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «قدرت‌های بزرگ و نقض رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳.

۲. CONGRESS\*GOV, (n.d), "S.Res.283 — 113th Congress (2016-2017) Ratification of Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women", Last access 26/03/2019.

۳. در این زمینه می‌توان به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ میلادی و یا کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق معلولان مصوب ۲۰۰۶ میلادی که مطابق مدل «قانون آمریکایی‌های دارای معلولیت» مصوب ۱۹۹۰ میلادی آمریکا تنظیم شده اشاره کرد. این کنوانسیون در مجلس سنای آمریکا به دلیل عوارض منفی آن از جمله آسیب به «تحصیل در منزل» در سال ۲۰۱۲ میلادی تصویب نشد. بنگرید به:

Ted Piccone, "Senate GOP failed on disability rights," CNN, December 8, 2012. (<https://edition.cnn.com/2012/12/08/opinion/piccone-senate-rights/>). /and see also: (<https://politicalticker.blogs.cnn.com/2012/12/04/despite-dole-appearance-senate-fails-to-ratify-disabilities-treaty/>).

ایالات آن، تضعیف چارچوب روابط و زندگی خانوادگی، تضعیف اختیارات والدین، مغایرت با حقوق والدین در تربیت کودک و نیز با تأکید بر اینکه قانون اساسی و سایر قوانین ایالات متحده آمریکا بهترین ضمانت اجراء در برابر بدرفتاری با کودکان در این کشور به شمار می‌روند، از جمله مهم‌ترین دلایل مخالفت با عدم تصویب این کنوانسیون<sup>۱</sup> و عدم آمیختگی آن با نظام حقوقی این کشور بوده است.

بدین ترتیب، هم‌سویی منافع ملی و سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها با اهداف و رسالت اسناد بین‌المللی و یا خوانش سیاسی از اهداف و جهت‌گیری آنها در تمایل سیاسی و یا عدم آن، در هم‌سویی با این اسناد اثر تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. بر همین اساس، روند تصویب این اسناد در حقوق داخلی، ذهنیت نهادهای قانونگذاری و سیاستگذاری در تأثیرپذیری از آنها، کیفیت قاعده‌سازی و قانونگذاری بر اساس آنها و در نهایت اجرای عملی مفاد آنها در حقوق داخلی<sup>۲</sup> از این تأثیر مصون نیستند.

1. CONGRESS\*GOV, 03/10/2011, "S.Res.99 —112th Congress (2011-2012)", Last Access 20/11/2021.

۲. نکته قابل توجه اینکه اعمال و اجرای مفاد اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی امری متمایز از الحاق و تصویب این اسناد در زمینه هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی است. از این جهت و به عنوان نمونه، عملکرد ایران در جرم‌انگاری برخی از جرایمی که در کنوانسیون مریدا مورد تصریح قرار گرفته و بر اساس آن دولت‌های عضو ملزم به جرم‌انگاری آنها در حقوق کیفری داخلی شده‌اند قابل توجه است، که حتی پس از تصویب کنوانسیون مبارزه با فساد و قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران بدین کنوانسیون (۱۳۸۵/۰۳/۲۱)، نسبت به آنها متغیر بوده است. این سکوت حتی به رغم اهتمام قانونگذار در تصویب قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نیز رفع نگردید و در نتیجه سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به آنها دارای خلأ تقنینی است و بحث مبارزه با فساد در برخی حوزه‌ها را با ناکامی مواجه می‌کند. از جمله این جرایم می‌توان به عدم جرم‌انگاری رشاء و ارتشاء و اختلاس اموال در بخش خصوصی موضوع مواد ۲۱ و ۲۲ کنوانسیون مریدا اشاره کرد. این در حالی است که کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ ه.ش در راستای هم‌سویی با مواد ۲۱ و ۲۲ کنوانسیون مریدا مبادرت به توسعه جرم‌انگاری رشاء و ارتشاء و اختلاس به بخش غیردولتی در مواد ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۸ و ۳۸۹ نموده است و نسبت به قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵ ه.ش (فصل سوم و چهارم: مواد ۲۵۴ و ۲۶۸) گامی روبه‌جلو در مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت اداری محسوب می‌شود.

## ۲-۱. تضعیف اصل حاکمیت دولت‌ها

یکی از مهم‌ترین اصول حاکمیت<sup>۱</sup> در بستر حقوق بین‌الملل اصل برابری حاکمیت<sup>۲</sup> است، بدین مفهوم که دولت‌ها صرف نظر از میزان قدرت، جمعیت، حدود جغرافیایی، نوع حکومت، نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قابلیت‌ها و توانایی آنها، برابر هستند و از منظر حقوق بین‌الملل دارای حقوق یکسان هستند.<sup>۳</sup> با وجود این، بدیهی است که امکان اعمال قدرت مطلق به واسطه حق حاکمیت دولت‌ها در عرصه حقوق بین‌الملل وجود ندارد. زیرا التزام و تعهد دولت‌های عضو اسناد بین‌المللی الزام‌آور به قواعد و مقررات این اسناد در حقوق بین‌الملل امری پذیرفته شده است، که در برخی موارد مستلزم انصراف از بخشی از حاکمیت خود در راستای هم‌سویی با اسناد مربوط است. به ویژه در دهه‌های اخیر و با توسعه مظاهر جهانی شدن حقوق کیفری، دولت‌ها با پیوستن به اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و یا موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه و التزام به اصول و مقررات این اسناد در راستای مقابله با نقض حقوق اساسی بشر و بزهکاری فراملی، به کمرنگ‌تر شدن مظاهر حاکمیت ملی تن داده‌اند. با وجود این، توجه به حساسیت دولت‌ها نسبت به تضعیف اصل حاکمیت در بستر جهانی شدن حقوق کیفری که منجر به اعمال نفوذ سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ، کاهش نقش دولت‌های ملی و کمرنگ شدن مرزها شده است، به ویژه با در نظر

۱. «مؤلفه‌های یک کشور و یا دولت از منظر حقوق بین‌الملل، اجتماع دائم و منظم گروهی از افراد بشر است که در سرزمین معین و مشخص به طور ثابت سکون گزیده و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند». بنگرید به: ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چ. بیست و دوم، ص. ۲۰۲.

۲. قطعنامه‌های سازمان ملل همواره از اصل برابری حاکمیت به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل یاد کرده‌اند و دولت‌ها را موظف به رعایت این اصل و منع از دخالت در امور داخلی و یا اعمال زور بر علیه دیگر اعضا کرده‌اند. منشور حقوق و وظایف دولت‌ها نیز در بخش اول خود بر اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها به عنوان اساسی‌ترین اصل در روابط دولت‌ها تأکید کرده است. بنگرید به: کماستانی، کرمعلی (۱۳۷۰)، «مطالعه‌ای در اصول حقوق بین‌الملل، اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها - اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۵، شماره ۲، ص. ۱۱۴.

۳. این حق در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی، بند (F) مقدمه اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد در خصوص اصول حقوق بین‌الملل در زمینه روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق منشور ملل متحد مصوب ۱۹۷۰ میلادی و بند ۱ اعلامیه اصول سند نهایی هلسینکی ۱۹۷۵ میلادی تصریح شده است.

گرفتن تفاوت‌های حاکم بر شرایط داخلی و منطقه‌ای و ساختارهای منطقه‌ای موجود در آنها، در رویکرد آنها به مسئله هم‌آهنگ‌سازی ضروری است.

فقدان ساختارها و سازمان‌های حقوق بشری در آسیا و منطقه خاورمیانه برخلاف مناطق دیگر از جمله منطقه اتحادیه اروپا با وجود چندین مجموعه تقنینی و قاعده‌ساز (شورای اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا) و نهادهای اجرایی و نظارتی (از جمله کمیسیون اروپا) و به طور کلی ساختارهای منطقه‌ای با خصایص بین‌المللی و فراملی<sup>۱</sup> در تفاوت نگرش نسبت به جهانی شدن حقوق کیفری مؤثر است. چراکه اعمال قدرت و نفوذ یک سازمان و ساختار منطقه‌ای نسبت به اعمال نفوذ و قدرت تک‌تک حاکمیت‌های ملی بیشتر و مؤثرتر بوده و در نتیجه حساسیت نسبت به تضعیف اصل حاکمیت در هم‌سویی با اسناد بین‌المللی در سایه قدرت منطقه‌ای را کاهش می‌دهد.

از این حیث، مسئله حاکمیت، امنیت ملی و منطقه‌ای در خاورمیانه به لحاظ موقعیت ژئوپولیتیک و جغرافیای راهبردی متفاوت، جنگ‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک، مسئله نفت و دخالت قدرت‌های بزرگ با اغراض سیاسی-اقتصادی و به ویژه تحولات منطقه‌ای<sup>۲</sup> از یک طرف و فقدان قدرت و ساختار منطقه‌ای حقوق بشری و با ماهیت سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف جرم‌نگاری، کیفرگذاری و آیین دادرسی کیفری از طرف دیگر، با حساسیت بیشتری روبه‌رو است. این حساسیت ممکن است در پرتو التزام به مقررات اسناد بین‌المللی و یا تحت نظارت قرار گرفتن توسط نهادهای نظارتی معاهداتی و یا بین‌دولتی تشدید شود. تأثیر سیاست‌های کشورهای قدرتمند در قلمروزدایی و تحدید اصل حاکمیت ملی در قالب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و یا سازمان‌های بین‌المللی یا بین‌دولتی (مثل FATF)، به دلیل محدودیت‌ها و تعهدات ناشی از التزام به آنها و اقدامات

۱. بنگرید به: دلماس‌مارتی، می‌ری (۱۳۷۸)، «جهانی شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات»، برگردان: اردشیر امیرارجمند، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۷، شماره ۲۴، صص. ۱۴۱-۱۴۲.

۲. تحولات ناشی از واقعه یازدهم سپتامبر، آثار منفی بهار عربی بر کشورهای چگون سوریه، فعالیت گروه‌های تروریستی مثل القاعده و داعش و ... منجر به شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای در افغانستان، عراق، لبنان و سوریه، افزایش شکاف‌های مذهبی، شکاف بین احزاب و گروه‌های سیاسی، تحولات جدید ساختار قدرت و سیاست و تغییر نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی شده‌اند. بنگرید به: برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ودوم، شماره ۳، صص. ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۷ و ۶۵۸ و نیز زمانی، قاسم، زمانیان، سورنا (۱۳۹۵)، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۳، صص. ۶۲۸.

متقابل و ضمانت اجراهای عدم هم‌سویی با آنها در سطح بین‌المللی (به عنوان نمونه ایران در قبال گروه ویژه اقدام مالی)،<sup>۱</sup> نقش مهمی در سیاست ادغام در روند هم‌آهنگ‌سازی با اسناد بین‌المللی دارد. چنین تفاسیری در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دلیل وجود قدرت و ساختارهای منطقه‌ای و موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک کاملاً متفاوت از منطقه خاورمیانه کمرنگ<sup>۲</sup> بوده و پیرو آن تصویب اسناد بین‌المللی و عمل قانونگذاری مرتبط با آنها پروسه‌ای مشکوک قلمداد نمی‌شود. در نتیجه، به عنوان تضعیف اصل حاکمیت دولت‌ها نیز قلمداد نمی‌گردد.

قدرت نرم<sup>۳</sup> اتحادیه اروپا در ترویج هنجارهای جهانی همچون صلح، حقوق بشر، دموکراسی و نیز تلاش در ترویج مفاهیم مربوط به رفتار قانونی با تکیه بر قوانین بین‌المللی در جامعه جهانی<sup>۴</sup> منجر به استحکام چارچوب‌های ژئوپولیتیک منطقه اتحادیه اروپا، تقویت حاکمیت این منطقه و افزایش قدرت تعیین‌کنندگی آن در سیاستگذاری بین‌المللی شده است، به طوری که این قدرت هم در درون اتحادیه اروپا به تقویت هم‌گرایی اعضاء منجر شده و هم در بیرون از مرزهای اتحادیه وضعیتی برتر<sup>۵</sup> هنجاری را به همراه داشته است (صدیق، ۱۳۹۷: ۱۰۳۶). هم‌گرایی در سطح منطقه اتحادیه اروپا با شکل‌گیری نوعی از قدرت منطقه‌ای، علاوه بر تأثیرپذیری از روند بین‌المللی شدن حقوق در سطح منطقه، تأثیر متقابل خود در سیاستگذاری بین‌المللی از طریق اعمال قدرت هنجاری در خارج از مرزهای اتحادیه اروپا را توسعه داده است. تدوین و تصویب اسناد منطقه‌ای از جمله کنوانسیون جرایم

۱. FATF, (n.d), " High-Risk Jurisdictions subject to a Call for Action – 21 February 2020", Last access 20/11/2021.

۲. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (Brexit) در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ میلادی، پس از موقعت همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ میلادی، با شعار "Let's take back control"، که از نقطه نظر برخی به طلوع واگرایی در نظم منطقه‌ای اتحادیه اروپا تعبیر شده است، عمدتاً در راستای کاهش وابستگی اقتصادی و فراگیر شدن نئولیبرالیسم در این کشور به وقوع پیوست. نک. (Kokotovic, 2017: 46-47).

۳. قدرت نرم یا هنجاری (Normative Power) به معنای تأثیرگذاری در تغییر و تحوّل در سیاست‌ها و سیاستگذاری بدون توسل به ابزار زور است، که در برابر قدرت سخت (Hard Power) یعنی قدرت مبتنی بر ابزار زور و دیپلماسی اجباری (ابزار نظامی و اقتصادی) بکار می‌رود.

4. see: Zieba, Ryszard (2012), *International roles of the European Union*, Yearbook of European Integration, University of Adam Mickiewicz University, Poznan, Nr6.

۵. بنگرید به: التیامی‌نیا، رضا و تقوایی‌نیا، علی (۱۳۹۵)، «تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاسی داخلی و خارجی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۳.

سایبری، گرچه صرفاً برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا الزام‌آور است، با ایجاد چارچوب مقتضی در این زمینه مرجع بهره‌برداری سایر کشورها در حوزه مقابله با جرایم سایبری را فراهم کرده و به ایفای نقش هنجاری خود در هماهنگ‌سازی سیاست‌های تقنینی در سطح بین‌المللی پرداخته است. تأثیرپذیری قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ خورشیدی ایران از مفاد این سند در حوزه جرم‌انگاری جرایم رایانه‌ای نمونه‌ای از جهانی شدن این تأثیرپذیری است.

همچنین، تأثیر برخی سازکارهای نظارتی مقرر در اسناد بین‌المللی در قالب نهادهای معاهداتی نظارتی<sup>۱</sup> با هدف نظارت بر نحوه حمایت و عمل به تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در برابر اسناد حقوق بشری بر نحوه عملکرد دولت‌ها در جذب و ادغام قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی در نظام‌های کیفری داخلی را نمی‌توان نادیده گرفت. نقش کمیته‌های نظارتی مقرر در برخی اسناد بین‌المللی<sup>۲</sup> را از حیث الزام دولت‌های عضو در ارائه گزارشی از اقدامات قانونی، قضائی، اداری و ...، که به منظور اجرای مقررات این اسناد برای بررسی از سوی کمیته مذکور<sup>۳</sup> و نیز رصد موارد نقض مفاد این اسناد طبق شرایط مقرر<sup>۴</sup> است، می‌توان از مظاهر رنگ باختن اصل حاکمیت ملی در پرتو تصویب اسناد بین‌المللی و بار تعهدات ناشی از آنها دانست، امری که می‌تواند در عدم تمایل، مشارکت پایین و یا رویکرد گزینشی نظام‌های کیفری ملی در هم‌سویی با اسناد بین‌المللی مؤثر باشد.

به عنوان نمونه در این زمینه می‌توان به عملکرد دولت هند در عدم تصویب کنوانسیون منع شکنجه به رغم امضاء آن در اکتبر ۱۹۷۷ میلادی اشاره کرد، به ویژه از باب عضویت

۱. بنگرید به: منفرد، مهوش و طباطبایی، سیداحمد (۱۳۹۶)، «بررسی سازوکار نهادهای معاهداتی حقوق بشری»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۲.

۲. کمیته حقوق بشر موضوع ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی، کمیته رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی موضوع ماده ۹ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ میلادی، کمیته ضد شکنجه موضوع ماده ۱۷ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ میلادی، کمیته رفع تبعیض از زنان موضوع ماده ۱۷ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ میلادی از جمله این کمیته‌های نظارتی هستند.

۳. از جمله بند ۱ ماده ۴۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون منع شکنجه، بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ میلادی، ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ میلادی.

۴. مثل ماده ۴۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۱ کنوانسیون منع شکنجه و ماده ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی.

هند در شورای حقوق بشر سازمان ملل با اکثریت آراء در مجمع عمومی، در سال ۲۰۱۸ میلادی، با تعهدات حقوق بشری از جمله تلاش در راستای مقابله با نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و عدم تحمل<sup>۱</sup>. عضویت در این شورا که هدف و وظیفه آن نشان دادن موارد نقض حقوق بشر است دولت هند را با فشارهای داخلی و بین‌المللی در زمینه تصویب این سند و قانون ملی ضد شکنجه روبه‌رو کرده است.<sup>۲</sup> به‌رغم درخواست کمیسیون حقوق هند در تصویب این سند، هم‌سویی با آن و اقدامات لازم در تصویب قانون ضد شکنجه بر اساس پیش‌نویس پیشنهادی این کمیسیون در سال ۲۰۱۷ میلادی، رویه دولت هند تا کنون در این زمینه منفعل بوده است. از یک سو، برخی دیدگاه‌های مخالف بر اهمیتی که شکنجه در جمع‌آوری مدارک و اثبات اتهامات دارد و تأثیر آن در ایجاد عدالت و امنیت در سیستم قضایی این کشور تأکید کرده و از این رو تصویب کنوانسیون مذکور را موجب موانع قابل توجهی در روند عدالت قضایی و امنیت ملی هند دانسته‌اند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، التزام به تعهدات این کنوانسیون و اثر آن در تحدید سرکوب ناآرامی‌ها و شرایط متزلزل سیاسی و در نتیجه محدودیت اعمال حاکمیت در شرایط مذکور از مهم‌ترین دلایل دولت هند در مخالفت در این زمینه هستند.<sup>۴</sup>

همچنین، سازکارهای نظارتی برخی نهادهای بین‌دولتی مثل گروه ویژه اقدام مالی ممکن است عملکرد برخی دولت‌ها در هم‌سویی با قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی را به دلیل تحت‌الشعاع قرار دادن حاکمیت ملی تحت تأثیر قرار دهند. نمونه این کشورها ایران است

1. Indiatoday, 13/10/2018, "India elected to Human Rights Council at UN with highest number of votes", Last Access 20/11/2020.

۲. زیرا به‌رغم این فعالیت‌ها، سالیانه موارد بسیاری از شکنجه و سوءرفتارهای منجر به مرگ در ایالات آن به ویژه در مناطقی چون چتیسگر و کشمیر با هدف برقراری نظم و قانون و به‌عنوان سلاح دولت در سرکوب مخالفان سیاسی واقع می‌شوند. قانون اختیارات ویژه نیروهای مسلح (AFSPA) که شامل اختیارات وسیعی از جمله امکان استفاده از اقدامات کشنده در راستای برقراری نظم و امنیت در مناطق آشفته و نیز اعطاء مصونیت به نیروهای نظامی در تعقیب غیرنظامیان در مناطق مذکور است با استناد به موارد متعدّد نقض حقوق بشر مورد اعتراض سازمان‌های مدافع حقوق بشر قرار گرفته و منتهی به درخواست لغو آن شده است.

3. OMCT, 08/11/2018/, "India: Time to put promises into action. A call for ratification of UN Torture Convention and the adoption of a strong anti-torture law", Last Access 20/11/2021.

4. OMCT, 08/11/2018/, "India: Time to put promises into action. A call for ratification of UN Torture Convention and the adoption of a strong anti-torture law", Last Access 20/11/2021.



که بر اساس بیانیه<sup>۱۹</sup> فوریه ۲۰۱۶ میلادی گروه ویژه اقدام مالی<sup>۱</sup> و نیز بیانیه اکتبر ۲۰۱۹<sup>۲</sup> میلادی در لیست سیاه این نهاد، به عنوان کشوری که مقررات مالی نگران‌کننده‌ای در مقابله با پولشویی و تأمین منابع مالی تروریسم دارد، قرار گرفته است. عملکرد ایران در راستای برون‌رفت از مشکلات ناشی از اقدامات متقابل این نهاد و گریز از نتایج لیست سیاه در برابر تصویب لوایح چهارگانه<sup>۳</sup> مورد نظر<sup>۳</sup> که برای همکاری با آن و خروج از این لیست ضرورت داشتند قابل توجه است؛ زیرا صرف نظر از تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۹۷/۷/۲۶) و نیز قانون اصلاح قانون تأمین منابع مالی تروریسم (۱۳۹۷/۴/۳۱)، مخالفت برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در روند تصویب لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی و نیز لایحه الحاق دولت ایران به کنوانسیون تأمین منابع مالی تروریسم در این زمینه معنادار است (روزنامه رسمی، ۱۳۹۶: ۴ و ۵). استناد به اصل ۱۵۲ قانون اساسی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب می‌داند و مغایرت تصویب چنین اسنادی با این اصل از مهم‌ترین دلایل این مخالفت‌ها بود. به ویژه اظهارات نمایندگان که معتقد بودند در راستای تعهدات مورد نظر برخی اسناد، با وضع قوانین داخلی می‌توان آنها را عملی نمود و الزامی ندارد که برای انجام این امور به معاهداتی بپیوندیم که ابهامات فراوانی دارند و مشکلات فراوانی را برای ما ایجاد می‌کنند و یا «وارد شدن به این گونه معاهدات به معنای ایجاد محدودیت و خودتحریمی از ناحیه خود ما خواهد بود» (روزنامه رسمی، ۱۳۹۶: ۳، ۴ و ۵).

ابعاد دامنه‌دار این نگرانی را می‌توان از سرنوشت مبهم این دو مصوبه<sup>۴</sup> حتی پس از ارسال به مجمع تشخیص مصلحت نظام به دلیل اختلاف نظر میان مجلس و شورای نگهبان و ایرادات شورا از جمله عدم اعمال نظرات مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر مغایرت برخی مواد

1. FATF, (n.d), "FATF Public Statement\_19 February 2016", Last Access 20/11/2021

2. FATF, (n.d), "Public Statement - October 2019", Last Access 20/11/2021.

۳. اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، اصلاح قانون تأمین منابع مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) و کنوانسیون مقابله با تأمین منابع مالی تروریسم (۱۹۹۷).

۴. لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۳ و نیز لایحه الحاق دولت ایران به کنوانسیون تأمین منابع مالی تروریسم در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

مصوبه با سیاست‌های کلی نظام از سوی مجلس<sup>۱</sup>، روشن کرد. این انفعال در روند تصویب این اسناد در حقوق ایران، به رغم فشارهای ناشی از اقدامات متقابل گروه ویژه (لغو تعلیق ایران از لیست سیاه در ۲۱ فوریه ۲۰۲۰)<sup>۲</sup> نشان از مخاطره‌آمیز تلقی نمودن روند هم‌آهنگی با سیاست جنایی بین‌المللی در برابر اعمالی چون پولشویی، تأمین منابع مالی تروریسم و به طور کلی جرایم سازمان‌یافته فراملی در چهارچوب مقرر این نهاد و در قبال اصل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دارد. از این رو، انعطاف‌پذیری سیاست‌گذاران در تلاش برای هم‌سو شدن با اسناد بین‌المللی و قانونگذاری بر اساس آنها در حقوق داخلی می‌تواند تحت تأثیر خوانش سیاسی و ملاحظات مرتبط با آن در نوع رویکرد به اسناد بین‌المللی تأثیرگذار باشد.

## ۲. موانع حقوقی هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی

صرف نظر از ملاحظات سیاسی دولت‌ها در روند هم‌سویی با قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی، توجه به موانع حقوقی نیز که عمدتاً ریشه در تعارض اصول حقوقی داخلی و اصول مقرر در اسناد بین‌المللی به ویژه اسناد حقوق بشری دارند<sup>۳</sup> ضروری است. جذب و ادغام قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی غالباً به کانال‌های داخلی قانونگذاری نیاز دارد. رابطه بین اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی به تعهد یک کشور به یک سیستم حقوقی مونیست یا دوگانه بستگی دارد. برخلاف نظریهٔ یگانه‌انگاری که بر برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی تأکید می‌کند، «نظریهٔ دوگانگی حقوقی نتیجهٔ منطقی تفاوت‌های بنیادینی است که میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی از جهات مبانی، منابع، تابعان، خصوصیت و ساختار حقوقی، اعتبار قواعد و پذیرش دیده می‌شود» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۷۶). اسناد بین‌المللی در سیستم‌های حقوقی تابع مونیسم یا یگانه‌انگاری، مثل هلند (مواد ۹۱ و ۹۴ قانون اساسی هلند) که بر اساس تقدّم معاهدات بین‌المللی نسبت به قوانین

۱. [https://rc.majlis.ir/fa/legal\\_draft/state\\_popup/1078147?fk\\_legal\\_draft\\_oid=982981](https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state_popup/1078147?fk_legal_draft_oid=982981)

۲. FATF, (n.d), "High-Risk Jurisdictions subject to a Call for Action – 21 February 2020", Last Access 20/11/2021.

۳. لازم به ذکر است که اسناد دارای ماهیت حقوق بشری، فرهنگی و ... در روند پذیرش در حقوق داخلی با مقاومت و حساسیت بیشتری از سوی دولت‌ها روبه‌رو می‌شوند. چراکه جذب و ادغام هنجارهای بین‌المللی از این منظر مرتبط با ایدئولوژی حاکم بر نظام سیاسی و حقوقی بوده و تطبیق آنها با اصول حقوقی داخلی گاه جز در پرتو بازنگری در قوانین و مقررات داخلی به ویژه قوانین اساسی امکان‌پذیر نخواهد بود، برخلاف اسناد با ماهیت اقتصادی-تجاری که نوعاً چالشی در روند هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های حقوقی ایجاد نمی‌کنند.

داخلی شکل گرفته‌اند، به صرف تصویب جزء قوانین داخلی محسوب می‌شوند و نیازی به قانونگذاری در اعتبار اجرایی ندارند. اما در سیستم دوآلیست، تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی صرفاً با تصویب قوه قانونگذاری وارد حقوق داخلی می‌شوند و ارزش قانونی پیدا می‌کنند. کانادا<sup>۱</sup> و ایران<sup>۲</sup> از جمله نمونه‌های این سیستم هستند که اسناد بین‌المللی در آنها با تصویب از سوی مجلس قانونگذاری بخشی از قوانین داخلی خواهند شد.

از این منظر، جذب و ادغام هنجارهای بین‌المللی منوط به عبور آنها از صافی‌های قانونگذاری به ویژه در تطبیق با اصول حقوقی داخلی و یا فراهم نمودن بستر حقوقی مورد نیاز است. در این زمینه، مفاد ماده ۱۸۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که اعتبار قانونی اساسنامه را در راستای تضمین ایجاد یک سیاست جنایی بین‌المللی حداقلی در برابر جرایم بین‌المللی منوط به تأیید شصت کشور کرده بود (اساسنامه در یکم ژوئیه ۲۰۰۲ میلادی اعتبار قانونی یافت) قابل توجه است. زیرا فرایند تأیید نظام‌های حقوقی داخلی بسیار متفاوت و مبتنی بر ظرفیت قوانین اساسی کشورهاست (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۱۵۱). از این رو، بایسته‌های جرم‌انگاری در راستای جلوگیری از اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان<sup>۳</sup> در رسیدگی به جرایم بین‌المللی مندرج در اساسنامه رم (و ارتكابی در قلمرو آنها و یا توسط اتباع آنها)<sup>۴</sup> که ناشی از مصالح داخلی نظام‌های حقوقی است، مستلزم قانونگذاری داخلی، تصویب قوانین ویژه در برابر این جرایم و حتی اصلاح قانون اساسی در راستای نیل بدین هدف است. فرانسه از جمله کشورهایی است که در راستای تصویب اساسنامه و رفع تعارض‌های حقوقی و فراهم نمودن بستر مناسب برای جذب و ادغام قوانین مرتبط با جرایم بین‌المللی،<sup>۵</sup> قانون اساسی را پیش از تصویب اساسنامه دیوان مورد تجدیدنظر قرار داد.

1. Van Ert, Gib. (2010), "Dubious Dualism: The Reception of International Law in Canada", *Valparaiso University Law Review*, Vol. 44, No. 3.

۲. اصل ۷۷ ق.ا.ایران و نیز ماده ۹ ق.م.

۳. اعمال صلاحیت دیوان بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه، یا بر اساس ارجاع وضعیت به دیوان از طرف یک دولت عضو است و یا ارجاع از سوی شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان دیوان (اعم از دولت عضو یا غیرعضو).

۴. ماده ۱۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

۵. از این حیث، تصویب قانون مورخ ۲۶ فوریه ۲۰۰۲ میلادی برای همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و قانون مورخ ۳۱ دسامبر ۲۰۰۳ میلادی در راستای اعطای مجوز در امضای توافق‌نامه مربوط به امتیازات و مصونیت‌های دیوان و نیز لایحه دیگر در مجلس سنای فرانسه تحت عنوان «لایحه تطبیق حقوق کیفری با نهاد دیوان کیفری بین‌المللی» با هدف

در این زمینه عملکرد ایران به عنوان نمونه در هم‌سویی با برخی اسناد بین‌المللی به ویژه اسناد حقوق بشری قابل توجه است، اسنادی که گرچه از منظر حقوق بشر مهم و اساسی هستند، به دلیل تعارض‌های بنیادین با اصول حقوقی داخلی و موازین اسلامی، روند الحاق، تصویب، قانونگذاری و جرم‌انگاری نزولی در پرتو آنها با ابعاد پیچیده‌تری مواجه است، که با صرف حفظ حق شرط قابل مسامحه نبوده و نیازمند ایجاد اصلاحات اساسی در قانون اساسی و سایر قوانین است.<sup>۱</sup> نمونه این اسناد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان است که تا کنون از سوی ایران مورد امضاء، الحاق و تصویب قرار نگرفته است. علت این اختلاف را باید در تفاوت حقوق زن در اسلام که بر اساس اصل ۴ قانون اساسی مبنای قانونگذاری در این زمینه در قوانین ایران بوده و اصول اسناد اساسی حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رفع تبعیض میان اعضای بشر و تأکید بر «شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان به ویژه در برابری میان زنان و مردان»، جست‌وجو نمود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر ضرورت استیفای بیشتر حقوق زن و برخورداری از ارزش و کرامتی والاتراز بستر مصرف‌زدگی و استثمار در مقدمه خود تأکید کرده است. همچنین، مسائلی چون لزوم تأمین حقوق همه جانبه زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون در اصل سوم، لزوم جهت‌گیری همه قوانین و برنامه‌ریزی‌های مربوط در راستای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی در اصل دهم، برخورداری همه افراد ملت از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین

وارد کردن یافته‌های اساسی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در حقوق فرانسه، پس از تجدیدنظر در قانون اساسی و تصویب اساسنامه دیوان، قابل توجه می‌باشد. دسترس‌پذیر در: (<http://www.icicl.org/details.asp?id=448>).

۱. این در حالی است که حق شرط مقرر در تصویب برخی اسناد بین‌المللی از سوی ایران عدم لازم‌الرعایه بودن قواعد و مقررات مندرج در اسناد مذکور در صورت تعارض آنها با قوانین داخلی و موازین اسلامی است. برای نمونه، قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک که طبق آن «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد».

اسلامی و تساوی برخورداری از حمایت قانونی یکسان در اصل بیستم و در نهایت تکلیف دولت به تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی و انجام اموری چون ایجاد زمینه‌های مساعد در رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او در این قانون مورد توجه قرار گرفته است.

جهت گیری قانون اساسی در خصوص حقوق زن حاکی از ضرورت مؤکد بر حفظ شأن و مقام والای زن، ضرورت استیفای بیشتر حقوق زن، ارتقاء حقوق مادی و معنوی زن، تضمین حقوق زن در تمامی جهات، تساوی در برخوردارگی از حمایت قانونی و برخوردارگی از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی است. تعارض میان حقوق داخلی ایران و کنوانسیون مذکور نیز از همین نقطه آغاز می‌شود. چراکه بر اساس موازین اسلامی، تفاوت‌هایی در حقوق زنان و مردان در حوزه‌های مختلفی از جمله عدم تساوی در برخوردارگی از حق طلاق (ماده ۱۱۳۳ ق.م)، نابرابری دیه (ماده ۵۵۰ و ۵۶۰ ق.م.ا ۱۳۹۲)،<sup>۱</sup> نابرابری در ارث (ماده ۹۰۷ ق.م)، نابرابری در اعتبار شهادت به عنوان ادله اثبات دعوا (ماده ۱۹۹ ق.م.ا ۱۳۹۲)، حقوق خانواده (مواد ۱۱۰۵ (ریاست خانواده به عنوان خصیصه شوهر)، ماده ۱۱۱۴ (نابرابری در تعیین محل سکونت)، ماده ۱۱۱۷ (اختیار مرد در منع زن از حرفه و صنعت تحت شرایط مقرر)، مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ (نابرابری در حق حضانت از طفل)) ق.م وجود دارند، که با هدف کنوانسیون که در پی رفع تمام تفاوت‌ها میان حقوق زنان و مردان، ایجاد برابری کامل و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در تمامی حوزه‌هاست در تعارض است.

از نظر این کنوانسیون، عبارت «تبعیض علیه زنان» به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است. این کنوانسیون، در راستای این هدف، دولت‌های عضو را ملزم به اتخاذ اقدامات مؤثر در زمینه تعقیب سیاست رفع

---

۱. این موضوع به رغم تصریح قانونی بر نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد در قتل و نیز در ثلث و بیش از آن در جنایات بر اعضاء و منافع، با تبصره ماده ۵۵۱ ق.م.ا و رأی وحدت رویه شماره ۷۷۷-۳۱/۲/۱۳۹۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و در قالب پرداخت معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارات‌های بدنی رفع شده است.

هرگونه تبعیض علیه زنان، گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین مرتبط داخلی، اتخاذ اقدامات قانونگذاری در وضع ضمانت اجرای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان (بند ۱ ماده ۲)، خودداری از انجام هرگونه عمل تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین عملکرد مقامات و مؤسسات عمومی بر طبق این تعهد (بند ۴ ماده ۲)، اتخاذ هرگونه اقدام مناسب در رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا مؤسسه (بند ۵ ماده ۲) و تغییر یا لغو قوانین، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض آمیز هستند (بند ۶ ماده ۲) نموده است. این در حالی است که اصول قانون اساسی ایران بر حفظ و تضمین حقوق زن در چارچوب موازین اسلامی تأکید می‌کنند. از این رو، تصویب این کنوانسیون به دلیل شکاف میان هدف بنیادین آن و تعارض ماهیت برخی از تعهدات و تکالیف مقرر در آن با اصول حقوقی داخلی که بنا بر تصریح اصل ۴ و ۲۱ قانون اساسی باید بر اساس موازین اسلامی و با رعایت آن صورت بگیرد، با موانع قابل توجهی روبه‌رو است. به ویژه آنکه پیوستن بدین کنوانسیون به دلیل تعهدات ناشی از آن در عمل به تکالیف مقرر باعث افزایش بار تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی در مجامع حقوق بشری خواهد بود.

نمونه دیگر این اسناد در حقوق ایران کنوانسیون منع شکنجه است که تا کنون مورد امضاء، الحاق و تصویب قرار نگرفته است. علت عمده این موضوع را باید در تعارض میان اصول حقوقی کنوانسیون منع شکنجه و اصول حاکم بر نظام حقوقی ایران جستجو نمود.<sup>۱</sup> با توجه به جایگاه کیفی‌های بدنی در قوانین ایران، اینکه آیا کنوانسیون منع شکنجه از نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به کیفی‌های بدنی نیز قابل تسری است قابل بحث بوده و در عملکرد ایران در تصویب و هم‌سویی با کنوانسیون مذکور اثرگذار است. این در حالی است که قطعنامه ۳۸/۱۹۹۷ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل<sup>۲</sup> در مقدمه خود ضمن تأکید بر منع شکنجه و یا هر رفتار یا مجازات ظالمانه، تحقیر آمیز و غیرانسانی، این رفتارها را هر نوع اقدام کیفری در نابودی یک انسان از نظر بدنی و روحی-روانی تلقی کرده است که تحت هیچ

۱. تصریح مقدمه قانون اساسی بر اصول و ضوابط اسلامی و التزام به مبانی اسلامی، اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۴ آن در لزوم انطباق کلیه قوانین بر اساس موازین اسلامی در کنار بند ۴ اصل ۱۵۶ در تأکید بر کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام، قابل توجه می‌باشد.

2. University of Minnesota; Human Rights Library, (n.d), "Torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment; C.H.R. res. 1997/38, ESCOR Supp. (No. 3) at 125, U.N. Doc. E/CN.4/1997/38 (1997)", Last Access 20/11/2021; Refworld, (n.d), "Torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment", Last Access 20/11/2021.

شرایط و ایدئولوژی‌ای قابل توجیه نیست. همچنین، بند ۹ این قطعنامه به دولت‌ها یادآوری می‌کند که مجازات بدنی می‌تواند منجر به مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز یا حتی شکنجه گردد. بدین ترتیب، با توجه به جایگاه کیفرهای بدنی در سیاست کیفری ایران (چه از باب حدود یا قصاص، شلاق، رجم، قطع عضو) و چه از باب تعزیر (شلاق) و شمول دامنه کنوانسیون بر کیفرهای بدنی از سوی دیگر، الحاق و تصویب این کنوانسیون موجب مسئولیت و تعهدات بین‌المللی در برابر قواعد و مقررات این کنوانسیون بوده و لزوم اصلاح نظام کیفرهای بدنی و متوقف ساختن اجرای آنها در حقوق داخلی را به همراه خواهد داشت. همچنین، پذیرش حق شرط در خصوص کیفرهای بدنی به عنوان راهکار تصویب و هم‌سویی با قواعد و مقررات کنوانسیون منع شکنجه با مفاد ماده ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ میلادی در چگونگی تنظیم حق شرط در حقوق معاهدات سازگاری ندارد. چراکه طبق بند (پ) این ماده محدود نمودن تعهد یک دولت نسبت به یک معاهده در صورتی امکان‌پذیر است که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت نداشته باشد. بر این اساس، صرف نظر از امکان اعمال حق شرط در موارد شکلی کنوانسیون طبق ماده ۲۸ کنوانسیون منع شکنجه در امکان شناسایی عدم پذیرش صلاحیت کمیته ضد شکنجه موضوع ماده ۲۰ کنوانسیون و بند ۲ ماده ۳۰ در عدم تعهد به مقررات بند ۱ این ماده در ارجاع اختلافات ناشی از تفسیر و اجراء کنوانسیون به داوری، قائل شدن حق شرط در خصوص کیفرهای بدنی و تحدید تعهد در این زمینه به رغم تصریح مواد ۱ و ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه، با هدف معاهده مغایرت دارد و از این حیث قابل پذیرش نیست.<sup>۱</sup>

۱. در این زمینه دعوای جرج اوسبورن بر علیه دولت جامائیکا قابل توجه است، که به دلیل ادعای نقض مفاد ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط دولت جامائیکا از سوی شاکی به دلیل محکومیت وی به کیفر حبس با اعمال شاقه و شلاق، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد این نوع محکومیت را (شلاق) را برخلاف مفاد ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه تلقی کرد و منجر به شکنجه موضوع این ماده شناخت. عقیده محکم کمیته این بود که مجازات‌های بدنی به منزله رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و یا مجازات متعارض با مفاد ماده ۷ میثاق هستند. ر.ک:

Committee on Civil and Political Rights, GEORGE Osbourne v Jamaica, Communication 759/1997, 15 March and also: Interpretation of Torture in The Light of The Practice and Jurisprudence of International Bodies, The Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (ohchr), The United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture (UNVFVT), 2011.

با توضیحات مذکور می‌توان نکاتی را نتیجه گرفت. قواعد و مقررات کنوانسیون منع شکنجه شامل کیفرهای بدنی نیز می‌باشد و از این حیث، اصلاح نظام کیفرها در راستای الحاق و تصویب این کنوانسیون و هم‌سویی سیاست کیفری ملی با قواعد و مقررات آن، از منظر بین‌المللی ضرورت می‌یابد، اما اصلاح نظام کیفرها به مفهوم نادیده انگاشتن موازین اسلامی و در نهایت حکم به جهت‌دهی قانون اساسی و یا سایر قوانین کیفری برخلاف آن نیست. به ویژه با توجه به اینکه «اساس قانونگذاری در حقوق اسلام، رعایت مصالح و مفاسد است»<sup>۱</sup> می‌توان با حفظ موازین اسلامی، با توجه به ظرفیت و انعطاف‌پذیری آموزه‌های در پر تو اصل مصلحت به عنوان یکی از اصول زیربنایی فقه شیعه (مطهری، بی تا: ۵۸) در بستر مقتضیات زمانی، ضرورت‌های بین‌المللی و اهمیت تعامل با جامعه جهانی، رفع این مسئله را در بستر فشارهای مجامع حقوق بشری بر ایران و استفاده از مزایای آن در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار داد.

### نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که رفع موانع سیاسی در هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی با اصول و قواعد اسناد بین‌المللی با پیچیدگی بیشتری نسبت به ملاحظات حقوقی روبه‌رو است. انعطاف‌پذیری دولت‌ها در این زمینه به دلیل ریشه داشتن در ایدئولوژی حاکمیت، سیاست‌های کلی داخلی و خارجی و منافع ملی پایین است و مبتنی بر تسامح حداقلی با محوریت منافع سیاسی است.

تحولات ساختاری سازمان ملل متحد به ویژه شورای امنیت در ارتقاء نقش تعیین‌کنندگی کشورها در سیاست‌های جهانی و کاهش عدم توازن در سیاستگذاری در عرصه بین‌المللی نقش مهمی در تضعیف رویکرد جهانی‌سازی و افزایش اعتماد به کارکرد و سازکارهای این سازمان در هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی حول اصول مشترک جهانی خواهند داشت. این تحولات به دلیل اهمیت قدرت سیاسی، اقتصادی و ارتباط آن با قدرت تعیین‌کنندگی و اثرگذاری در سیاستگذاری جهانی نیازمند تحولات بنیادین مفهوم قدرت در عرصه نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی است. اما افزایش هم‌گرایی در سطح منطقه‌ای، ساختارهای منطقه‌ای حقوق بشر و نهادهای قانونگذاری و نظارتی مرتبط در تسریع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶)، دانشنامه حقوق اسلامی، ج. ۵، تهران، امیرکبیر، ص. ۳۴۲.



این تحولات مؤثر خواهند بود. برتری قدرت هنجاری اروپا در خارج از مرزهای منطقه در برابر قدرت سخت آمریکا در جهان نمونه‌ای از امکان برهم زدن توازن قدرت در قالب اتحاد و هم‌گرایی منطقه‌ای و افزایش تأثیرگذاری در سیاستگذاری در عرصه بین‌المللی است. همچنین، افزایش زمینه‌های همکاری میان دولت‌ها، تشریک مساعی در پیشگیری از بی‌کیفرمانی بزهکاران، ناامن نمودن کلیه کشورها برای مرتکبان جرایم فراملی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم از مهم‌ترین دلایل توجه به لزوم تقویت تفکیک خوانش سیاسی از اهداف اسناد بین‌المللی و پرداختن به وجوه تأثیرگذار آنها در تأمین نظم و امنیت داخلی و بین‌المللی در بستر هم‌آهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی است.

در مقابل چالش‌های سیاسی، ملاحظات حقوقی پیش‌روی دولت‌ها در هم‌سو شدن با اسناد بین‌المللی گرچه نسبت به ملاحظات سیاسی انعطاف‌پذیرتر است، امکان رفع این ملاحظات بستگی به نوع و درجه تعارض میان این اسناد و اصول حقوقی داخلی از یک سو و ظرفیت انعطاف‌پذیری قوانین اساسی ملی در بازنگری و اصلاح اصول حقوقی مغایر با اسناد بین‌المللی از سوی دیگر دارد. امکان بازنگری قوانین اساسی به ویژه در راستای هم‌سویی با اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز بسته به اصول، مبانی و ایدئولوژی حاکم بر نظام‌های سیاسی، که نظام‌های کیفری ملی تحت تأثیر آنها قرار دارند، متغیر است. با این حال، صرف نظر از تعارض مبنایی اصول حقوقی داخلی و بین‌المللی که نیازمند فراهم شدن بنیان‌های لازم در امکان بازنگری در اصول اساسی مغایر است، فراهم کردن بستر هم‌آهنگی در خصوص تعارض‌هایی که در بستر ظرفیت‌های حقوقی موجود و با اصلاحات جزئی در قانون اساسی امکان ادغام در حقوق داخلی را پیدا می‌کنند با سرعت و سهولت بیشتری امکان‌پذیر خواهد بود. به عنوان نمونه، کنوانسیون منع شکنجه نسبت به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان از این حیث از انعطاف‌پذیری بیشتری در حقوق داخلی ایران برخوردار است. چراکه امکان الحاق و تصویب این کنوانسیون در حقوق داخلی و هم‌آهنگ‌سازی سیاست کیفری با مفاد و اهداف آن با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی امری غیرممکن و مبتنی بر تعارض مبنایی نیست، چنانکه می‌توان از آن به عنوان بستر بالقوه در هم‌سویی با اسناد بین‌المللی و در نتیجه از مزایای آن در عرصه جهانی بهره برد.

## ORCID

Seyed Ebrahim ghodsi  <http://orcid.org/0000-0002-5273-4802>

Atefeh Sheikheslami  <http://orcid.org/0000-0003-1550-7712>

## منابع

### الف. فارسی

- التیامی نیا، رضا و تقوائی نیا، علی. (۱۳۹۵). «تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاسی داخلی و خارجی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۳.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۷). ایران، «خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۳.
- تاورنیه، پل. (۱۳۸۲). «قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، برگردان مرتضی کلاتریان، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۲۹.
- جاوید، احسان و نیاورانی، صابر. (۱۳۹۵). «قابلیت اجرای فراسرزمینی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۶). *دانشنامه حقوق اسلامی*، ج. ۵، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۰). «قدرت‌های بزرگ و نقض رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۳.
- دلماش مارتی، می‌ری. (۱۳۷۶). «به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی»، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۲۱.
- دلماش مارتی، می‌ری. (۱۳۷۸). «جهانی شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات»، برگردان: اردشیر امیرارجمند، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۷، شماره ۲۴.
- روزنامه رسمی، مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (دوره دهم)، جلسه ۲۴۸ (مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۵)، یکشنبه، ۲۲ مهر ماه ۱۳۹۷، سال هفتاد و چهارم، شماره ۲۱۴۳۴.

روزنامه رسمی، مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (دوره دهم)، جلسه ۱۷۰ (مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۴)، سه‌شنبه، ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۶، سال هفتاد و سوم، شماره ۲۱۲۴۰.

زمانی، قاسم، زمانیان، سورنا. (۱۳۹۵). «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۳.

شفیعی، نوذر و سلیمی، رؤیا. (۱۳۹۸). «تیین عملکرد سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی در میانمار»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۱. شولت، جان آرت. (۱۳۸۶). «نگاهی موشکافانه به جهانی شدن، برگردان مسعود کرباسیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

صدیق، میرابراهیم. (۱۳۹۷). «نقش هنجاری اتحادیه اروپا در جامعه بین‌الملل»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۴.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش. کماستانی، کرملی. (۱۳۷۰). «مطالعه‌ای در اصول حقوق بین‌الملل (اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها - اصل حاکمیت دایمی دولت‌ها بر منابع طبیعی)»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۵، شماره ۲.

مطهری، مرتضی. (بی‌تا). مجموعه آثار، ج. ۱، قم، انتشارات صدرا. منفرد، مهوش و طباطبایی، سیداحمد. (۱۳۹۶). «بررسی سازوکار نهادهای معاهداتی حقوق بشری»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۵). «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). «تقریرات جرم‌شناسی، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم. دسترس‌پذیر در (lawtest.ir).

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). «حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم»، دیباچه در: فلچر پی، جرج، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، برگردان سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ چهارم، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). «جهانی شدن حقوق کیفری و تعاملات دانشگاهی بین‌المللی»، دیباچه در: رضوی فرد، بهزاد (به کوشش)، جلوه‌هایی از حقوق کیفری

فرانسه-مجموعه مقالات و سخنرانی‌های میشل مسه و برناردت زیربر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۸). «حقوق تطبیقی و هماهنگ-نزدیک‌سازی نظام های حقوقی»، دیپاچه در: رضوی فرد، بهزاد «به کوشش»، *جلوه‌هایی از مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه و ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۸). «سیاست جنایی»، در: نیازپور، امیرحسین (به کوشش)، *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، چاپ دوم، تهران، میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۹). «از سیاست کیفری تا سیاست جنایی»، دیپاچه در: لازرژ، کریستین، *درآمدی بر سیاست جنایی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، میزان.

## References

- Annual Report on Torture 2018”, Asian Centre for Human Rights (ACHR). (2018). Available in: (<http://www.uncat.org/wp-content/uploads/2019/05/IndiaTorture2018.pdf>).
- Arie, E.C. (2015). “A Bystander to Genocide: Revisiting UN Failure in the Balkan and Rwanda”, *European Scientific Journal*, edition vol.11, No.11.
- Committee on Civil and Political Rights, GEORGE Osbourne v Jamaica, Communication 759/1997, 15 March and also: INTERPRETATION OF TORTURE IN THE LIGHT OF THE PRACTICE AND JURISPRUDENCE OF INTERNATIONAL BODIES, The Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (ohchr), The United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture (UNVFVT), 2011.
- Creery, Janet. (1994). “Read the fine print first: Some questions raised at the Science for Peace conference on UN reform”, *Peace Magazine*. Jan-February 1994, Retrieved on 2007-12-07.
- De Waal, Alex. (2007). “Darfur and the failure of the responsibility to protect”, *International Affairs*, Vol. 83, Issue 6.
- Delmas-Marty, Mireille. (1376). “In search for the Common European Criminal Law”, translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, *Journal of International Law*, No. 21. [in Persian]
- Delmas-Marty, Mireille. (1378). “Globalization of Law: Opportunities and Risks”, translated by Ardeshir Amir-Arjmand *Journal of International Law*, Volume 17, Number 24. [in Persian]
- Eltiami Nia, Reza and Taqvaee-Nia, Ali. (1395). “Explaining the role and position of soft power in achieving domestic and foreign political

- goals”, *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, Year 6, Issue 3. [in Persian]
- Gold, Dore. (2005). *Tower of Babbble: How the United Nations Has Fueled Global Chaos*, Crown Forum.
- Jafari, Ali Akbar (1390). “The Great Powers and Violations of International Human Rights Regimes”, *Foreign Policy Quarterly*, Twenty-fifth Year, No. 3. [in Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (1376). *Encyclopedia of Islamic Law*, Vol. 5, Tehran: Amirkabir Publications. [in Persian]
- Javid, Ehsan and Niavarani, Saber. (1395). “Ability to Implement the International Territorial Obligations of Governments in the Field of Economic, Social and Cultural Rights”, *Quarterly Journal of Public Law Research*, Vol. 18, No. 53. [in Persian]
- Kokotovic, Filip. (2017). “What Remains after Brexit? A View from the Outside”, *Australia and New Zealand Journal of European Studies*, Vol.9, Issue 2.
- Komayestani, Karamali. (1370). “A Study in the Principles of International Law (The Principle of Equality of State Sovereignty - The Principle of Permanent Sovereignty of States over Natural Resources)”, *Journal of Justice Law*, Volume 55, Vol. 2. [in Persian]
- Monfared, Mahvash and Tabatabai, Seyyed Ahmad. (1396). “A Study of the Mechanism of Human Rights Treaties”, *Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, Year 6, No. 12. [in Persian]
- Motahari, Morteza (n.d). *Collection of works*, Qom: Sadra Publications, vol. 1. [in Persian]
- Najafi AbrandAbadi, Ali-Hosseini. (1375). “United Nations Criminal Policy”, *Journal of Legal Research*, No. 18. [in Persian]
- Najafi AbrandAbadi, Ali-Hosseini. (1391). *Criminological lectures*, by Shahram Ebrahimi, seventh edition. [in Persian]
- Najafi AbrandAbadi, Ali-Hosseini. (1394). “Criminal Law at the Beginning of the Third Millennium”, Preface to: Fletcher P., George, *Basic Concepts of Criminal Law*, translated by Seyed Mehdi Seyedzadeh Sani, fourth edition, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences Press. [in Persian]
- Najafi AbrandAbadi, Ali-Hosseini. (1395). “Globalization of Criminal Law and International Academic Interactions”, Preface to: Razavifard, Behzad (By Effort), *Manifestations of French Criminal Law - Collection of Articles and Lectures by Michel Messé and Bernard*

*Zieber*, First Edition, Tehran, Allameh Tabataba'i University Press. [in Persian]

Najafi AbrandAbadi, Ali-Hossein. (1398). "Comparative Law and Harmonization-Approximation of Legal Systems", Preface to: Razavifard, Behzad, (By Effort), *Effects of a Comparative Study of French and Iranian Law*, First Edition, Tehran, Allameh Tabatabae'i University Press. [in Persian]

Najafi AbrandAbadi, Ali Hossein. (1399). "From Penal Policy to Criminal Policy", Preface to; Lazerge, Christine, *An Introduction to Criminal Politics*, translated by Ali Hossein Najafi Aberandabadi, 8th edition, Tehran, Mizan. [in Persian]

Niazpour, Amir Hossein (by Effort) (1398). *Encyclopedia of Economic Criminal Sciences*, Second Edition, Tehran: Mizan. [in Persian]

Official Gazette, detailing the negotiations of the public session of the Islamic parliament of Iran (tenth term), session 248 (dated 7/15/1398), Sunday, Mehr 13, 1397 (14/10/2018), the seventy-fourth year, No. 21434. [in Persian]

Official Gazette, Detailed Discussions of the Public Session of the Islamic parliament of Iran (Tenth Volume), Session 170 (Dated 4/11/2017), Tuesday, Bahman 13, 1396 (02/02/2018), Seventy-Third Year, No. 21240. [in Persian]

Rajan, Sudhir Chella. (2006). "Global Politics and Institutions", *Frontiers of a Great Transition*, Vol. 3.

Shafi'i, Nozar and Salimi, Roya. (1398). "Explaining the UN Response to the Genocide in Myanmar", *Islamic World Political Research Quarterly*, Year 9, No. 1. [in Persian]

Schultz, John Art. (1386). *A Closer Look at Globalization*, translated by Massoud Karbasian, Second Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [in Persian]

Seddiq, Mir Ibrahim. (1397). "The Normative Role of the European Union in the International Community", *Quarterly Journal of Politics*, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 48, Number 4. [in Persian]

Short, Katherine. (2008). "From Commission to Council: has the United Nations succeeded in creating a credible human rights body?", *International Journal of Human Rights*, Year 5, Number 9, São Paulo.

- Smolin, David M. (2006). "Overcoming Religious Objections to the Convention on the Rights of Child", *Emory International Law Review*, Vol. 20.
- Tavernier, Paul. (1382). "Constitutions of Countries and Statutes of the International Criminal Court", translated by Morteza Kalantarian, *Legal Journal of Justice*, No. 29. [in Persian]
- Van Ert, Gib. (2010). "Dubious Dualism: The Reception of International Law in Canada", *Valparaiso University Law Review*, Vol. 44, No. 3.
- Vice Chancellor for Education and Research, National Center for World Studies. (1393). *A Multidisciplinary Approach to Globalization*, First Edition, Tehran, National Center for Globalization Publications. [in Persian]
- Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza. (1384). *Public International Law*, Tehran: Ganj-e-Danesh. [in Persian]
- ZIËBA, RYSZARD. (2012). "International roles of the European Union", *Yearbook of European Integration*, Adam Mickiewicz University, Poznan, Nr. 6.

وب سایت

- <http://www.fatf-gafi.org/countries/d-i/iran/documents/call-for-action-february-2020.html>.
- <http://www.fatf-gafi.org/countries/d-i/iran/documents/public-statement-february-2016.html>.
- <http://www.fatfgafi.org/media/fatf/documents/reports/2008%202009%20ENG.pdf>.
- <https://edition.cnn.com/2012/12/08/opinion/piccone-senate-rights/>.
- <https://www.congress.gov/bill/112th-congress/senate-resolution/99/text>.
- <https://www.congress.gov/bill/113th-congress/houserresolution/283/text?q=%7B%22search%22%3A%5B%22ratification+of++Convention+on+the+Elimination+of+All+Forms+of+Discrimination+Against+Women%22%5D%7D&r=53&s=5>.
- <https://www.fatf-gafi.org/publications/high-risk-and-othermonitoredjurisdictions/documents/publicstatement-october-2019.html>.
- <https://www.indiatoday.in/india/story/india-human-rights-council-united-nations-highest-number-votes-1366977-2018-10-12>.
- <https://www.indiatoday.in/india/story/india-human-rights-council-united-nations-highest-number-votes-1366977-2018-10-12>.
- <https://www.omct.org/en/resources/statements/india-time-to-put-promises-into-action-a-call-for-ratification-of-un-torture-convention-and-the-adoption-of-a-strong-anti-torture-law>.
- <https://www.omct.org/statements/2018/11/d25105/>.
- <https://www.state.gov/report/custom/32b1df3406/>.